

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Marturs

جانبازان

جمعی از کمونیست های انقلابی – ایران
۲۶ جنوری ۲۰۲۵

چهلمین سالگرد اعدام جنایتکارانه سیامک زعیم (شهاب)

طراح و از رهبران قیام سربداران آمل در ۵ بهمن-دلو- ۱۳۶۰



سیامک زعیم

«... کمونیستها به عنوان وجدان بیدار طبقه پیشرو باید در پیشاپیش جنبش آزادی در کشور ما حرکت کنند و نه در دنباله آن و یا در انتظار حرکت دیگران، ولی پیشرو بودن در عمل است که می تواند و باید ثابت شود و به همین دلیل یک کمونیست قبل از آن که در باره توانایی و آمادگی مادی خویش بیندیشد باید درباره وظیفه و نقش خویش اندیشه کند و پیشتازی خویش را مدلل سازد.»

چهل سال پیش در ۵ بهمن-دلو- ۱۳۶۳، سیامک زعیم، طراح و از رهبران قیام سربداران، مسؤول سیاسی و عضو کمیته دائم اتحادیه کمونیست های ایران در استادیوم فوتیبال در شهر آمل در سالگرد قیام سربداران توسط جمهوری اسلامی و سرکوبگرانش اعدام شد. و بدین ترتیب جنبش کمونیستی ایران یکی از رهبران

برجسته و فداکار خود را از دست داد. به همین علت ۴۳ امین سالگرد قیام سربداران در بهمن ۱۳۶۰ را با یاد این رهبر برجسته سیامک زعیم گرامی می داریم. چرا که وی به جرم رهبری و شرکت در قیام سربداران آمل، قیامی که هدفش ایجاد جرعه ای برای قیام توده ئی و سرنگونی سلطنت ستم و استثمار خمینی و رژیم مرتجع اسلامی اش بود، این گونه جنایتکارانه به قتل می رسید. از او یاد می کنیم تا نقش او و مهمترین خدماتش به جنبش انقلابی و کمونیستی ایران را هر چند کوتاه مرور کنیم.

در هنگامی که خمینی و جمهوری اسلامی اش یورش وحشیانه و مرتجعانه خود علیه انقلاب و توده های ستم دیده را در تابستان ۱۳۶۰ به صورت همه جانبه ای آغاز کرد، شکنجه و کشتار و قتل عام انقلابیون و کمونیست ها را در سرلوحه وظایف دستگاه سرکوب و بیدادگاه های مرگش، قرار داد. سیامک زعیم که از ماهها قبل این کودتای وحشیانه را به جنبش انقلابی و کمونیستی هشدار می داد و حرکت و مقابله متحدانه در برابر آن را پیشنهاد داده بود، اینبار با حرکتی انقلابی و کمونیستی قیام مسلحانه را مقابل سازمان خود (اتحادیه کمونیست های ایران) و همه کمونیست های ایران به پیش گذارد و کوچک بودن کمونیست ها و سازمان خود را عاملی برای شانه خالی کردن از وظیفه بزرگی که بر دوش آنها بود، به هیچ رو قابل توجیه ندانست. او در مقاله ای تحت نام " آیا هیچ گاه نیروئی کوچک می تواند وظیفه ای

بزرگ بر دوش بگیرد؟" در ۸ مهر- میزان- همان سال نوشت: " به هیچ رو کوچکی و بزرگی یک نیروی انقلابی نمی تواند در تصمیم و عزم آن نیروی انقلابی برای تولید حریق انقلاب در آن شرایط نقشی تعیین کننده ایفا کند و این بدین معناست که هنگامی که شرایط عینی و ذهنی جامعه برای قیام آماده است این وظیفه ای است در برابر همه قوای مترقی و پیشرو در آن جامعه صرفنظر از کوچکی و بزرگی و قوت و ضعف آنها. ... خلاف پاره ای تصورات جزمی در جنبش، ما با یک نیروی کوچک و مصمم و به شرط اتخاذ سیاست و تاکتیک مناسب در تحت یک شرایط مساعد و قابل انفجار سیاسی می توان ناقوس یک قیام همگانی و ملی را به صدا در آورد، منتها به صورت ایجاد شعله ای که به حریق تکامل پیدا می کند...» حقیقت ۱۴۱- ۸ مهر-میزان- ۱۳۶۰

در چنین شرایطی بود که تدارک برای قیام مسلحانه را تئوریزه و برای انجام آن، رهبری و سازماندهی سیاسی، را به عهده گرفت، سرانجام آمل به مثابه محل آغاز قیام برگزیده شد و نیروهای سربدار ماهها در جنگل های مازندران در اطراف آمل اسکان یافتند تا در حین جنگ و درگیری با نیروهای رژیم، شناسائی منطقه و تدارک، تبلیغ و عملیات های نظامی جهت خلق افکار عمومی را جلو ببرند. نام سربداران لرزه بر اندام حکومت ارتجاع انداخت. قیام سربداران در ۵ بهمن- دلو- ۶۰ در آمل آغاز و در روز بعد به اوج رسید، چند نقطه کلیدی و بخش مهمی از شهر آمل در اشغال سربداران قرار گرفت اما با بسیج نیروهای سرکوبگر سپاه، ارتش و ژاندارمری، از شهرها و استان های مجاور و هجوم آنها و جانباختن دوتن از فرماندهان نظامی و کلیدی سربداران پیروت محمدی (کاک اسماعیل) و رسول محمدی (کاک محمد) در حین رهبری نظامی قیام سربداران، مجبور به عقب نشینی شد. جمهوری اسلامی نیز تلفات زیادی داد و ضربات سنگینی خورد. اما ضربه مهم آن، ضربه سیاسی بود که متحمل شد. اگر چه قیام سربداران از لحاظ نظامی شکست خورد اما درسهای مهمی را برای جنبش کمونیستی ایران و فراتر از آن بر جای گذارد و نقش سیامک زعیم به مثابه رهبری ارزشمند را برجسته کرد. چرا که قیام سربداران گسستی از مبارزات جنبش کمونیستی ایران بود که تا آن زمان مبارزاتش مهر دنباله روی از طبقات دیگر را بر خود داشت. قیام سربداران اولین حرکت کمونیستی در ایران برای کسب قدرت سیاسی بود، و سیامک زعیم نقشی ویژه در این گسست ایفا کرد. او در این مورد در همان مقاله می نویسد که: «...کمونیستها به عنوان وجدان بیدار طبقه پیشرو باید در پیشاپیش جنبش آزادی در کشور ما حرکت کنند و نه در دنباله آن و یا در انتظار حرکت دیگران، ولی پیشرو بودن در عمل است که می تواند و باید ثابت شود و به همین دلیل یک کمونیست قبل از آن که در باره توانایی و آمادگی مادی خویش بیندیشد باید درباره وظیفه و نقش خویش اندیشه کند و پیشتازی خویش را مدلل سازد.»

شرایط عینی جواب خاصی را طلب می نمود و قیام سربداران ، جواب لازم به آن شرایط عینی بود و همزمان تصفیه حسابی با خیانت حزب توده در ۲۸ مرداد-اسد- سال ۳۲، که از پاسخگویی به آنچه که شرایط عینی طلب می کرد شانه خالی کرد.

بیانیه قیام پنجم بهمن آمل می نویسد که " آزادی را جز در پرتو آتش قهر انقلابی، جز در پرتو جانفشانی بی محابا و جز در سایه یورش بردن دلیرانه به کاخ ظلم و بیداد نمی توان به دست آورد. با دشمنان آزادی تنها با زبان گلوله می توان سخن گفت و بر این حکم نیز تجربه اسارت و آزادی خلق ها مهر تأیید نهاده است..."

سیامک زعیم در عصر ۷ بهمن- دلو- سال ۶۰ دستگیر شد و در کل دوران بازداشت و شکنجه تا شب اعدام به مبارزه و شورش خود علیه شکنجه گران و زندانبانانش ادامه داد. تلاش جمهوری اسلامی برای شکستن روحیه او و یا وادار کردنش به مصاحبه تلویزیونی و یا مناظره با ایدئولوگ های منفور رژیم به جایی نرسید، چرا که او آگاه بود تنها با کمونیسم است که می توان رهائی بشریت را ممکن ساخت و به همین دلیل نه تنها همچون مردمک چشم بلکه فراتر از

آن با جان خود آن را حفاظت می کرد و هرگز فرصت سوء استفاده را به دشمنان طبقاتی و ارتجاع مذهبی نداد. شب اعدام که او را به زندان آمل برده بودند، تا صبح با دیگر زندانیان سیاسی به بحث و تبادل نظر پرداخت و در سالروز قیام سربداران آمل در ۵ بهمن- دلو- ۶۳ در استادیوم فوتیبال آمل اعدام شد.

سیامک زعیم (با نام مستعار شهاب) در سال های ۳۹-۴۲ از فعالان جنبش دانش آموزی در دبیرستان البرز و در ۱۹ سالگی از فعالان و کادرهای جنبش دانشجویی(کنفدراسیون احیا..) بود. او همچنین از فعالان جنبش ضد جنگ ویتنام در امریکا بود. در این دوران بود که کمونیست های جهان تحت رهبری مائو مبارزه علیه رویزیونیسم خروشچفی و رویزیونیسمی که از درون حزب کمونیست چین سربلند کرده بود را به پیش می بردند که در ادامه به انقلاب فرهنگی پرولتاریائی منجر شد. سیامک زعیم شدیداً تحت تأثیر این تحول کمونیستی تحت رهبری صدر مائو قرار گرفت. در همین زمان نام او توسط اف بی آی در فهرست کمونیست های خطرناک جای گرفت. در مدتی کوتاه او به یکی از تئوریسین های جنبش کمونیستی ایران تبدیل شد. او از رهبران اصلی مبارزات کنفدراسیون علیه سفر شاه و دیدار او با کارتر بود. او بنیانگذار و رهبر سازمان انقلابیون کمونیست بود که در وحدت با گروه پویا (بازماندگان گروه فلسطین) اتحادیه کمونیستهای ایران را تشکیل دادند. سیامک در سال ۵۷ به ایران بازگشت و رهبری سیاسی اتحادیه کمونیست های ایران را تا به هنگام قیام سربداران و دستگیری به عهده داشت.

درسهای قیام آمل برای نسل نوینی از انقلابیون که در جست و جوی راه سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی اند از اهمیت ویژه ای برخوردار است. زیرا آنها نیز اساساً با همان سؤالاتی که در سال ۶۰ طرح گشته نیز رو به رویند: چگونه می توان این رژیم را سرنگون کرد و آن را با چه نیرو و سیستمی جایگزین کرد تا نه تنها از شر این رژیم رهایی یافت بلکه در جهت رفع هر گونه ستم و استثمار در جامعه و کل جهان حرکت کرد. آنانی که در جست و جوی راه رهایی کل بشریت اند. به مطالعه دستاوردها و علل شکست قیام سربداران آمل و آرمان هائی که سیامک زعیم به مثابه یک رهبر کمونیست دنبال می کرد، نیاز دارند.

یادش گرامی باد.

جمعی از کمونیست های انقلابی - ایران

۵ بهمن- دلو- ۱۴۰۳